

بمبئی

بواسطه آقا میرزا محمود

مہتر ادالجی پیر وفا رندیلیا علیہ بہاء اللہ الابہی

ای میر وفا در عالم وجود صفتی بہتر و خوشتر و شیرینتر از وفا نیست این منقبت از اعظم اساس دین الہی است اگر انسان از جمیع صفات حمیدہ محروم باشد ولی باین صفت قدسیہ موصوف عاقبت حائز جمیع کمالات می‌گردد و اگر چنانچہ حائز جمیع صفات کمالیہ باشد و از صفت وفا بی‌بہرہ آن کمال جمیعاً بنقص مبدل گردد و آن خیر بشر و آن نورانیت بظلمت و آن عزت بذلت منتہی شود الحمد للہ تو پیر وفائی آرزوی من آنست کہ میر وفا گردی در این دور بدیع طائفہ پاریسی چنان اقبال نمودند کہ حضرت زردشت روح العالمین لہ الفداء در جهان آسمان شادمان گردید و فی الحقیقہ ملت نجیبی هستند و همانست کہ مرقوم نمودی (کہ فساد اخلاق غربی کم کم در آنها سرایت کردہ است) بعضی از فارسیان شیفتہ احوال و اطوار غربیان گشتند و نمی‌دانند کہ عالم اخلاق غربیان بسیار فاسد گردیدہ و برہان این جنگ مہیب بی‌امان کہ در ہیچ عصری چنین پرخاشی رخ ندادہ لہذا دلیل قاطع بر سوء اخلاقت مگر نفوسیکہ در سایہ سرو آسمانی انجمن شدند و بتعالیم حضرت بہاء اللہ گلزار و چمن گشتند این نفوس مبارکہ تحصیل اخلاق نمایند و ہر ملتی بحسن اخلاق ترقی بی‌پایان نماید و بسوء اخلاق ہر ملتی از ذرۃ بالا بہ پستترین درجہ ہمچی ہبوط کند باری اکثر پارسیان ہنوز بخواب کابوسی مبتلا عنقریب بیدار گردند این معلوم است کہ طلوع آفتاب بعد از تاریکی شب است و تاریکی ہولناک شرق و غرب را احاطہ کردہ اگر حضرت شاہ بہرام در چنین بحران ظلمانی طلوع نفرماید در چہ وقتی بدرخشد مژدہ‌ہائیکہ حضرت وخشور و خورشوران وعدہ دادہ بودند جمیع تحقق یافت ہوشیدر مہبامی حضرت اعلیٰ روحی لہ الفداست شاہ بہرام حضرت بہاء اللہ و اما من عبدالہیاء یعنی بندہ ناتوان حضرت بہا جز این اسم و رسمی و نام و نشانی نخواہم ہر دو در یک زمان بودند کہ از تاریکی عالم طبیعت نفوس منجذبہ را نجات دادند زیرا عالم طبیعت عالم حیوان است ولی عالم انسانی جهان آسمانی حال ملاحظہ فرما کہ انجمن بشر چگونہ مانند حیوان در دریای طبیعت غرقند اثری از عالم انسانی نیست اہل عالم باید انصاف بدہند آیا بجز تعالیم بہاء اللہ کہ شعاع شمس حقیقت است بر این شب یلدا کہ در نہایت تاریکی است می‌تواند غلبہ نماید و صبح روشن بتابد و جهان را گلشن نماید نہ بخدا اگر اندک انصافی باشد شہادت می‌دہد کہ پرتو این خورشید جہانگیر است و شعاع این آفتاب عالم انسانرا روشن کند اما عالم حیوان بی‌نہایت تاریک است درندگی است خونخوار است ظلم و بیداد است فسق و نادانیت منازعہ بقاست و معدن حرص و جفا و منبع طمع بیمنتہا و عالم بشر از شب تاریکتر و از حیوان پستتر است جمیع فلاسفہ اعتراف باین مدعا می‌نمایند پس معلوم شد کہ عالم انسانی محتاج بہ یک طیب ربّانی و مربّی آسمانی است جز قوۃ الہیہ مقاومت طبیعت نتواند باری همانست کہ مرقوم نمودی کہ این دورہ طلائی است کہ باید ظہور کند بتکرار مرقوم می‌شود شاہ بہرام حضرت بہاء اللہ من بندہ او اینست تاج درخشندہ من اینست کوکب درخشندہ من ملاحظہ فرما کہ جمیع دانایان شرق و غرب حتی مادّیون باخترا اعتراف می‌نمایند کہ امروز نجات و فلاح عالم انسانی بتعالیم حضرت بہاء اللہ است

اما سفر من بہندوستان این بتقدیر حضرت رحمن است نہ بخواہش دیگران ولی ہرچند من در فلسطینم ولی در ہر نقطہئی از نقاط عالم فریاد و انین می‌نمایم و ندا بظہور حقیقت می‌کنم و با یاران باوفا ہمدم و ہمزام و ہم‌نغمہ و ہم‌آواز تعالیم حضرت بہاء اللہ را از رسائل کلمات فردوس و اشراقات و تجلیات و بشارات خواہید ادراک نمود باین رسائل مراجعت نمائید و در تعلیمات دقت نمائید تا اقتباس نور حقیقت کنید از جملہ تعالیم حضرت بہاء اللہ تحرّی حقیقت است و از جملہ وحدت عالم انسانیت کہ جمیع خلق اغنام حق هستند و خدا شبان مہربان جمیع را خلق فرمود رزق داد تربیت فرمود پرورش داد پس

یقین است بجمع اغنام مهربانست این است سیاست الهیه پس ما باید متابعت سیاست الهیه نمائیم و اگر چنانچه شخصی علیل است باید معالجه کرد نه عداوت شخصی کودک است باید تربیت نمود تا ببلوغ رسد شخصی نادانست باید او را تعلیم نمود تا دانا گردد و از جمله تعلیم بهاءالله که باید دین و آئین مطابق علم و عقل نازنین باشد چه که اگر مخالف باشد تقلید است و شخص عاقل دانا را اذعان و تمکین حصول نیابد و از جمله تعلیم حضرت بهاءالله اینکه باید دین سبب اتحاد و الفت بین بشر گردد و اگر چنانچه سبب بغض و عداوت باشد وجود آندین لزوم ندارد اگر طیب نادان است و درمان مضرّ بمریضان البتّه بیدرمانی بهتر است از جمله تعلیم ترک تعصبات دینی و ترک تعصبات جنسی و ترک تعصبات سیاسی حتی ترک تعصبات وطنی است جمیع روی زمین قطعاً واحده است زیرا هر شخصی از انسان در هر نقطه‌ئی از کره ارض زندگانی می‌تواند نمود از جمله تعلیم عدالت و حق است و از جمله تعلیم مساوات ذکور و اناث است و از جمله تعلیم ترویج علوم و فنون است و از جمله تعلیم صنعت عبارت از عبادتست از جمله تعلیم خدمت بعالم انسانی بدون استثناست از جمله تعلیم صلح عمومی است از جمله تعلیم ایجاد لسان عمومی از جمله تعلیم تعلیم جمیع ابناء انسانیت از جمله تعلیم نهایت صدق و اطاعت بحکومت عادله از جمله تعلیم مواسات بین بشر است و از این قبیل بزرگترین کلمه‌ئی که سبب انبساط روح است معنی انسلاخ از عالم طبیعت و دخول در عالم ملکوتست از الطاف الهی می‌طلبیم که اول منادی آسمانی گردی و ترویج حقیقت نمائی و علیک البهّاء الابهی

۱ جولای ۱۹۲۱

حیفا